

به آخر خط رسیده‌اند و حالا دادگاه به حکم عدم سازش آنها را صادر کرده است تا گام آخر پاره کردن ریسمان زندگی مشترکشان را بردارند و منفور ترین حلال خدا را به زندگی شان وارد کنند. اینجاست که برخی دلان دفا‌تر ثبت طلاق وارد صحنه می‌شوند و این زوج را مانند زوج‌های دیگری که روزانه راهی دفاتر ثبت طلاق می‌شوند به دفتر ثبت طلاق خاصی هدایت می‌کنند و در ازای معرفی هر زوج به دفتر خانه مبلغی به عنوان پورسانت گیرشان می‌آید. همین زد و بندها هم موجب شده تا به گفته رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق

درآمد بیشتر آنها را به زد و بند با کارکنان مراکز قضایی واداشته است. در این میان با کاهش آمار ازدواج، درآمد این دفاتر از ازدواج کم شده اما به ازای کاهش ازدواج آمار طلاق در محور افزایش حرکت می‌کند و همین مسئله دفاتر ثبت ازدواج و طلاق را به فکر استفاده از این پتانسیل برای کسب درآمد بیشتر انداخته است. این دفاتر حاضرند به ازای معرفی هر زوج برای ثبت طلاق به معرفی‌ها پورسانت بدهند. در این میان چه کسانی می‌توانند بهتر از کارکنان مراکز قضایی باشند؟ به همین خاطر هم هست که دفاتر ازدواج و طلاق نزدیک مجتمع‌های قضایی به یکی از پررونق‌ترین دفاتر تبدیل شده بود و همین مسئله هم با واکنش قوه قضائیه برای منطقی کردن ثبت طلاق در این مراکز مواجه شده است.

**دلایل تصویب یک بخشنامه**

محدودیت ثبت طلاق در دفتر خانه‌های ازدواج و طلاق به صورت آزمایشی به مدت پنج ماه در دو استان کشور اجرا شد که نتایج موفقیت‌آمیزی به همراه داشت. حالا با بخشنامه‌ای که قرار است هفته آینده توسط رئیس دستگاه قضا ابلاغ شود، محدودیت ثبت طلاق در دفتر خانه‌های ازدواج و طلاق در سراسر کشور اجرا می‌شود.

علی مغففری رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق درباره چگونگی روند کار دفاتر ثبت ازدواج و طلاقی که رکورددار ثبت طلاق هستند، اینگونه توضیح می‌دهد: «تعدادی از سردفتران ازدواج و طلاق در نزدیکی مجتمع‌های قضایی خانواده، دفاتر خود را دایر کرده و مقابل مجتمع‌ها دلال می‌گذاشتند یا بسا کارمندان مجتمع‌ها تپایی می‌کردند تا به محض صدور حکم طلاق مثلا در د فلاق‌های توافقی، زوجین به دفتر خانه مراجعه کنند در حالی‌که در طلاقی‌های توافقی زوجین سه ماه فرصت دارند و می‌توانند همان روز یا هفت هفته بعد یا سه ماه بعد برای ثبت طلاق اقدام کنند.»

**زد و بند یا پورسانت برای معرفی زوج‌هایی که می‌خواهند فرد شوند**
بنابا به تأکید مغففری، برخی کارمندان دادگاه خانواده از ناآگاهی افراد سوءاستفاده می‌کردند و با دفتر خانه‌های خاصی زد و بند کرده و رأی را به زوجین نمی‌دادند و بیه آنها می‌گفتند برای ثبت طلاق به همان دفتر خانه خاص مراجعه کنند و طلاق ثبت کردند و می‌توانستند از این پتانسیل برای کسب درآمد بیشتر استفاده کنند. این مسئله منجر به بروز اختلاف میان سردفتران شده بود و بر همین مسئله هم وقتی برخی سردفتران پی همین مسئله هم وقتی برخی سردفتران خواستار افزایش حق‌التحریرها شدند، دفاتر ثبت اسنادی که درآمدهای ناچیز دارند با این افزایش حق‌التحریر مخالفت کردند چراکه آن را به نفع دفاترسی با درآمدهای نجومی می‌دانستند نه همه دفاتر ثبت اسناد. در نهایت آبان‌ماه امسال بود که ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، از راهاندازی سامانه تعیین سقف درآمدی دفاتر اسناد رسمی خبر داد و گفت: «بیشتر دفاتر

## نمای نزدیک

قانون‌گذاری برای کنترل سقف درآمدی و برقراری عدالت تنها به دفاتر ازدواج و طلاق محدود نشده است و تدابیری برای برقراری عدالت در درآمد دفاتر ثبت اسناد نیز اندیشیده شده است.

پیش از این برخی دفاتر ثبت اسناد درآمدهای چند صد میلیونی و گاه میلیاردی داشتند و برخی دیگر از دفاتر در تأمین هزینه‌های روزمره خود مانده بودند. این مسئله منجر به بروز اختلاف میان سردفتران شده بود و بر همین مسئله هم وقتی برخی سردفتران پی همین مسئله هم وقتی برخی سردفتران خواستار افزایش حق‌التحریرها شدند، دفاتر ثبت اسنادی که درآمدهای ناچیز دارند با این افزایش حق‌التحریر مخالفت کردند چراکه آن را به نفع دفاترسی با درآمدهای نجومی می‌دانستند نه همه دفاتر ثبت اسناد. در نهایت آبان‌ماه امسال بود که ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، از راهاندازی سامانه تعیین سقف درآمدی دفاتر اسناد رسمی خبر داد و گفت: «بیشتر دفاتر

## تخلفی که قابل اثبات نیست

رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق درباره ورود قانون برای مجازات و رسیدگی به این‌س زد و بندها تصریح می‌کند: «دادسرای انتظامی سازمان ثبت و سردفتران داریم اما خیلی از موضوعات قابل اثبات

# دفتر رسمی ازدواج

## د

**برخی کارمندان دادگاه خانواده از ناآگاهی افراد سوءاستفاده می‌کردند و با دفتر خانه‌های خاصی زد و بند کرده و رأی را به زوجین نمی‌دادند و به آنها می‌گفتند برای ثبت طلاق به همان دفتر خانه خاص مراجعه کنند و شناسنامه‌های خود را مهر بزنند**

# حقوق

سرویس اجتماعی۰۰۸۸۹۸۴۴

# دلالی طلاق محدود می‌شود

**به موجب بخشنامه جدید قوه قضائیه، ثبت طلاق در دفاتر رسمی طلاق دارای سقف سالانه شده است**

سال گذشته در تهران یک دفتر خانه تنها چهار طلاق و دفتر خانه دیگری که نزدیک یکی از مجتمع‌های قضایی خانواده قرار داشت، ۴۰۰۰ طلاق ثبت کند! راز رکوردشکنی دفتر خانه مزبور هم یک چیز بوده است؛ زد و بند با کارکنان مجتمع قضایی و تعیین پورسانت ۵۰ هزار تومانی بیه ازای معرفی هر زوجی که می‌خواهند فرد ششوندا همین ماجرا و بر هم خوردن عدالت در درآمد دفاتر ثبت از دواج و طلاق هم موجب شد تا قوه قضائیه طی بخشنامه‌ای ثبت طلاق در دفاتر ثبت از دواج و طلاق را محدود کند و برای آن سقف بگذارد. طبق بخشنامه



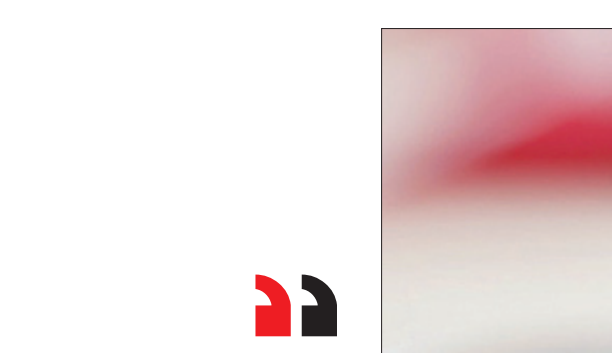
## درآمد دفاتر اسناد رسمی هم ضابطه‌مند می‌شود

اسناد رسمی، ازدواج و طلاق از توزیع ناعدالانه درآمد ناراضی هستند و اعتقاد دارند برخی از دفاتر از رانت‌هایی استفاده کرده و افراد را به سوی خود سوق می‌دهند و در سوی دیگر برخی دفاتر حتی توان اداره دفتر را هم ندارند. بر این اساس درصدد هستیم سامانه‌ای را برای تعیین سقف درآمدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق تعیین کنیم که البته این سامانه پیشتر به صورت پایلوت در برخی استان‌ها اجرا شده و نتیجه خوبی داشته است. البته این موضوع مخالفینی هم دارد زیرا معتقدند با اجرای این سامانه درآمدشان کاهش می‌یابد که البته تعداد این مخالفین اندک است.»
بخشنامه‌ای که قرار است طی روزهای آینده در رابطه با محدودیت ثبت طلاق در دفاتر اسناد از سوی رئیس قوه قضائیه ابلاغ شود، شامل «تعیین سقف درآمدی دفاتر اسناد رسمی» هم می‌شود. بر اساس فرمول در نظر گرفته شده، دفاتر اسناد رسمی، فقط اجازه خواهند داشت تا دو برابر میانگین درآمدی سند‌های صادره در سال قبل را ثبت کنند؛

# ۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۵۸۵۰

جدید، هر دفتر خانه طلاق در تهران فقط می‌تواند در سال ۱۹۰ طلاق ثبت کند. چالش‌ها و تخلفات دفاتر ثبت ازدواج و طلاق در کشور اما به رقابت آنها در کسب درآمد بیشتر با ثبت طلاق بیشتر خلاصه نمی‌شود بلکه گاهی‌وقت‌ها عملکرد این دفاتر به گونه‌ای است که برخی قواعد شرعی مرتبط با ثبت طلاق را هم رعایت نمی‌کنند. احکامی فقهی که رعایت نکردن آنها می‌تواند حکم طلاق را با اشکال مواجه کرده و از دواج مجدد زن را با ایراد شرعی مواجه کند. این موضوعات اما کمتر مورد توجه قانون‌گذار و مجریان قانون قرار گرفته است.



**در حال حاضر اطراف دادگاه‌های خانواده پراز دفتر ثبت ازدواج و طلاق شده است و این مسئله موجب بی‌حرمتی به تمام دفاتر داران می‌شود، اما تعیین سقف برای ثبت طلاق می‌تواند ولع دفتر خانه‌ها را برای بالابردن تیراژ ثبت طلاق کنترل کند و جلوی زد و بندهای موجود را برای ثبت بیشتر طلاق بگیرد**

از نگاه وی این روش که حکم طلاق را به زوجین بدهند و خودشان مختار باشند تا دفتر خانه‌ای برای ثبت طلاق انتخاب کنند بهتر است تا اینکه افرادی در اطراف دادگاه‌های خانواده پرسه بزنند و دفتر خانه‌های خاصی را با ادلانی نظیر ارزان‌تر بودن نرخ یا سرعت بیشتر کار به زوجین معرفی کنند. قاضی طباطبایی در عین حال تأکید می‌کند: «از همه اینها مهم‌تر اینکه برخی از این دفتر خانه‌ها شرایط شرعی را هم رعایت نمی‌کنند. به طور مثال زن اگر در حال حیض طلاق بگیرد طلاقی باطل است و ازدواج بعدی او هم خراب می‌شود. اینها مسائل شرعی است که برخی از دفاتر رعایت نمی‌کنند و منجر به بروز آسیب‌هایی می‌شود.»

وی از فعالیت‌هایش در دولت‌سازندگی برای کاستن از طلاق سخن می‌گوید و تأکید می‌کند: «ما کارونی به نام کانون ازدواج و تحکیم خانواده را ایجاد کردیم و بارها با آقای رفسنجانی و موسوی اردبیلی برای کاهش امر طلاق دپدار داشستیم و برای این مسئله هم ۴۰ نفر به داده بودیم که در ۴۰ مسجد ۴۰ گروه فهمیم، اهل اجتماع، درمند، آشنا، با تحصیل و فرهنگ و بصور به عنوان شورای حکمیت تشکیلیدند و افرادی که می‌خواهند طلاق بگیرند به این افراد مراجعه کنند. اگر چنانچه موفق به حل اختلاف نشدند بیه دادگاه بروند و حکم بگیرند.»

**حقوقی‌هایی که موجب تضییع حق زن می‌شود**
قاضی طباطبایی با انتقاد از طلاق رجعی می‌افزاید: «مناسفانه در طلاق رجعی که زن باید حشش را بگیرد می‌گویند اول بروید صیغه طلاق بخوانید و بعد از سه ماه بیایید ثبت کنید اما این کار اشتباهی است زیرا ممکن است بعد از سه ماه یکی از طرفین زنده نباشد یا به دلیل خصومتی که منجر به طلاق شده از ثبت طلاق طفره برد. اینجاست که خانم به حشش نمی‌رسد و او ظلم می‌شود.»
از یک تعدادی، طلاق ثبت کنند. رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق درباره سازوکار طراحی شده و چگونگی رسیدن به عدد ثبت ۱۹۰ طلاق در شهر تهران هم تأکید می‌کند: «میانگین ثبت طلاق به نسبت دفاتر طلاق همان شهر به اضافه ۲۰ درصد، فرمولی است که برای محدودیت ثبت طلاق در دفاتر ازدواج و طلاق در نظر گرفته شده است و بر اساس این فرمول، مثلاً در تهران هر دفتر خانه فقط اجازه دارد تا ۱۹۰ طلاق ثبت کند و امکان ثبت بیش از این عدد نیست زیرا سامانه بصورت خودکار قفل می‌شود.»

**دفترهای ثبت ازدواج و طلاقی که مسائل شرعی را رعایت نمی‌کنند!**
محمدصادق قاضی طباطبایی سردفتر یکی از دفاتر ثبت ازدواج در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با مصوبه تعیین سقف ثبت طلاق و ضرورت آن می‌گوید: «در حال حاضر اطراف دادگاه‌های خانواده پر از دفتر ثبت ازدواج و طلاق شده است و این مسئله موجب بی‌حرمتی به تمام دفترداران می‌شود، اما تعیین سقف برای ثبت طلاق می‌تواند ولع دفتر خانه‌ها را برای بالابردن تیراژ ثبت طلاق کنترل کند و جلوی زد و بندهای موجود را برای ثبت بیشتر طلاق بگیرد.»

از نگاه وی این مصوبه هم تنها می‌تواند عدالت را در بین سردفتران برقرار کند اما از منظر تغییر و کاهش میزان ثبت طلاق نمی‌تواند کارساز باشد و برای این منظور باید کار جدی فرهنگی صورت گیرد.

این سردفتر ثبت ازدواج هم به زد و بندهای پشت پرده تفاوت میزان ثبت ازدواج در دفاتر مختلف اشاره کرده و می‌افزاید: «زد و بند در دین اسلام حرام است. ما دین شفافی داریم اما هر کس به نفع خودش از آن برداشت می‌کند.»
از نگاه وی این مصوبه هم تنها می‌تواند عدالت را در بین سردفتران برقرار کند اما از منظر تغییر و کاهش میزان ثبت طلاق نمی‌تواند کارساز باشد و برای این منظور باید کار جدی فرهنگی صورت گیرد.

## امیرعلی دهقانی\*



بازخوانی قانون گذاری برای حقوق رسانه‌ها

## چند اصل برای «حقوق رسانه»

اهمیت و جایگاه رسانه‌ها در جهان امروز بر هیچ کس پوشیده نیست. رسانه‌ها چنان در تار و پود زندگی بشر رخنه کرده است که امروز زندگی بشر کاملاً به آن وابسته شده است. بسیاری از مردم به‌وسیله رسانه‌ها به زندگی خویش معنی می‌دهند. تصور کنید اگر در دنیای امروز رسانه‌ها نباشند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر چنین فرض شود دوباره میان بشر فاصله‌های عمیقی ایجاد می‌گردد و دنیای علم، فرهنگ و تکنولوژی فرسنگ‌ها به عقب بر خواهد گشت. امروزه یکی از ویژگی‌های مهمی که برای توسعه‌یافتگی جوامع در نظر گرفته می‌شود میزان استفاده از رسانه‌ها است. همین رسانه‌ها است که نظام‌های حکومتی را تقویت می‌کنند یا از بین می‌برند، به همین سبب است که رسانه‌ها را قوه چهارم دولت نامیدند.

حقوق رسانه‌ها در برگیرنده قواعد مربوط به رسانه‌های سنتنی و ارتباطات چهره به چهره نمی‌شود. از سوی دیگر از میان معانی گوناگون برای واژه حقوق می‌توان به مجموعه مقرراتی که بر اشخاص به این دلیل که در اجتماع هستند حکومت می‌کند یا امتیازها و توانایی‌های خاصی که قانون به منظور تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماعی بر حرف قائل است اشاره کرد. بر همین مبنا تعریف حقوق رسانه‌ها بدین صورت خواهد بود: «مجموعه مقررات و قوانینی که بر رسانه‌ها و افراد وابسته به آن حکومت می‌کند.»

بر اساس تجزیه و تحلیل قوانین موجود بررسی تجزیه‌های علمی و نتایج مطالعات تخصصی در قانون گذاری کشورهای پیشرفته رعایت اصول ذیل در تدوین حقوق رسانه‌های ضروری است:

### ۱- جامعیت میان حقوق و حدود

هدف اصلی هر قانون تعیین توانم حقوق و حدود است. فلسفه تدوین هر قانون تبیین آن است که مخاطبان چه می‌توانند و چه چیزی را نمی‌توانند مرتکب شوند. بخش اول که سلطه و توانایی‌ها را تبیین می‌کند حق و بخش دوم که مرزهای آزادی و استفاده از حق را تعیین می‌کند، حد یا تکلیف خوانده می‌شود. یافتن نقطه تعادل میان حقوق و حدود همان هنری است که از قانون‌گذاران انتظار می‌رود و قانون‌گذاران مطبوعات و رسانه‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. تدوین قانون مطبوعات در دوران‌های گذار و بحران‌های اجتماعی نیز باعث شده تا بیشتر ناظران به تعیین حدود و مسئولیت‌ها باشند تا حقوق و آزادی‌ها.

### ۲- عمومیت و رسانه‌محوری

باید به جای قانون مطبوعات و مانند آن به دنبال قانون ارتباطات جمعی و قانون رسانه‌ها بود؛ ضرورتی که خوشبختانه در برنامه چهارم توسعه کشور مورد توجه قرار گرفت. طبیعی است که رسانه محوری قانون به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های حقوقی در ساختار و کارکرد رسانه‌ها یا یکدیگر نیست. مقصود آن است که در حوزه مشترک میان انواع وسایل ارتباط جمعی (مانند مقررات محتوایی) نظم واحدی حکومت کند و این منافاتی با اشاره به جنبه‌های اختصاصی هر رسانه ندارد.

### ۳- تأکید بر نظارت‌های صنفی و مدنی

شکی نیست که حتی با وضع بهترین قوانین و نیز ترویج اخلاق حرفه‌ای هم نمی‌توان از نقض عمدی یا غیر عمدی مقررات آسوده‌خاطر بود. بنابراین نظارت بر کارکرد رسانه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. اولین نظارت‌های دولتی که گاهی نظارت قانونی هم نامیده می‌شود، ضمن آنکه هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی بر حکومت‌ها تحمیل می‌کند، به طور طبیعی نمی‌تواند چنان گسترده باشد که همه فعالیت‌های مطبوعاتی، رادیو و تلویزیونی، سینماها و دیگر انواع وسایل ارتباط جمعی را در بر بگیرد. به همین دلیل استمداد از نهادهای صنفی و مدنی می‌تواند جایگزین مناسبی یا همکار سودمندی برای نظارت‌های دولتی به شمار آید. همچنین برای نظارت بر عملکرد رسانه‌ها می‌توان از نهادهای مردمی و مدنی بهره فراوانی برد.

### ۴- رعایت اصول قانون‌نویسی

قانون‌نویسی متفاوت از قانون‌گذاری است. پس از آنکه نیاز به قانون در زمینه‌ای احراز شد، شیوه نگارش قانون یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. در این باره اشاره به موارد زیر کاربردی است:

**الف) لزوم انعطاف‌پذیری و تناسب با فناوری‌های نوین**
در تدوین قانون جامع رسانه‌ها باید شتاب تحولات فناوری را در نظر گرفت و به گونه‌ای عمل نکرد که قانون کارآمدی خود را در عمل از دست بدهد. برای نمونه تکیه بر عنصر چاپ و انتشار سنتی در تعریف مطبوعات با دگرگونی‌های جهان معاصر نامتناسب است.

### ب) شفافیت و دوری از ابهام و اجمل

یکی از الزام‌های اصلی قانون‌نویسی اجتماع و استعمال الفاظ و اصطلاحاتی است که تحمل برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون و حتی متعارض را به دنبال دارد. برای نمونه طبق ماده ۱۶ قانون مطبوعات، عدم انتشار منظم یک نشریه اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیئت نظارت) باشد موجب لغو پروانه خواهد بود. در این ماده هیچ ضابطه و معیاری برای عذر موجه تعیین شده است.

### پ) قابلیت اجرا و سودمندی

عدم امکان اجرا بزرگ‌ترین ایراد ممکن بر یک قانون است. برای نمونه حضور هیئت منصفه در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی دستورالکید و صریح اصل ۱۶۸ قانون اساسی است. قانون مطبوعات نیز به تفصیل در فصل جداگانه شیوه انتخاب، شرایط اعضا و نحوه مشارکت آنان را در دادرسی تعیین کرده است. با این حال طبق تبصره‌های ماده ۴۳ رأی هیئت منصفه تنها جنبه مشورتی داشته و برای نمونه در صورتی که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رأی بر برات صادر کند.

### ت) ضمانت اجرا و الزام‌آوری

به طور کلی قانونی که مخاطبان رعایت آن را الزامی نهندارند و نقض کنندگان آن کیفر نبینند، اثر وجودی خود را از دست می‌دهد. برای نمونه تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر، ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد در تصاویر و محتوا و تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیر قانونی) در بندهای مختلف ماده ۶۶قانون مطبوعات به عنوان ممنوعیت‌هایی ذکر شدند که باید از آن اجتناب شود. اما این موارد علاوه بر ابهام در مفهوم و صدق، ضمانت اجرایی مناسبی ندارند و به همین دلیل کمتر می‌توان شاهد پیامدهای حقوقی برای نقض آنها بود.

**\* پژوهشگر پژوهشکده راهبردی – کاربردی**